**( 273 )**

**هو الله**

ای یاران عبدالبهآء نامه‌ئی که بمتصاعد الی الله جناب منشادی مرقوم نموده بودید ملاحظه گردید چون آن گل بگلستان حقیقی صعود نمود و آن طیر بآشیان الهی پرواز کرد و آن مشتاق بمحفل تجلی نیر آفاق بشتافت و آن پروانه قصد سراج ملأ اعلی کرد لهذا این عبد بتحریر جواب پرداخت از ائتلاف و انس و اجتماع یاران پارسی و دوستان رحمانی مرقوم نموده بودید چه بهتر از این که مانند گلهای حقایق و معانی در گلشن الهی در نهایت طراوت و لطافت و حلاوت با یکدیگر بیامیزند و بنشینند و برخیزند و وجد و طرب انگیزند مظاهر احدیه در عوالم بشریه جلوه نمایند تا خلق را الفت و محبت بیاموزند و نوع انسانرا انعطافات وجدانی تعلیم نمایند تا بیگانگی از عالم انسانی برافتد و یگانگی حقیقی چهره گشاید نظر بعرض نکنند دقت در گوهر عالم انسانی نمایند باری شکر ایزد پاک را که بر جهان انسانی اشراق انوار نامتناهی فرمود قلوبرا نورانی کرد و نفوس را رحمانی فرمود جان و وجدانرا بپرتو حقیقت روشن کرد شمع هدایت برافروخت فیض و عنایت مبذول داشت بینوا بودیم از کنز ملکوت بانوا کرد و از الطاف بی‌پایان بهره و نصیب داد بسایه شجره امید خواند و بمواهب جدید نوید بخشید ای یاران وقت شادمانیست و هنگام مسرت وجدانی از خبر راحت و خوشی و مسرت بازماندگان شهدای الهی بینهایت فرح و مسرت حاصل گردید نهایت آرزوی عبدالبهآء خوشی و سرور بازماندگان شهداست من آرزوی خدمت آنان نمایم و منتهای آمالم اینکه کاری از دست بر آید که سبب راحت و آسایش آنان گردد علیهم بهآء الله الابهی و علیهم ثنآء الله الأوفی و لهم البشارة الکبری و الموهبة العظمی (ع ع)